

## شرح حال مرحوم ثریا

مرحوم حاج میرزا حیدر علی ثریا (مجدالادباء) در سال ۱۲۵۰ هجری قمری در کرمانشاهان متولد و در غره ربیع اول سال ۱۳۱۸ در طهران وفات یافته است. فقید مزبور له شاعری بذله گوی و ادیبی نکته سنج بوده ابوالزوجه مرحوم شمس الفصحاء میرزا محمد قمی متخلص به (محیط) است و از طرف مادر با این نویسنده نیز قرابتی دارد.

یکسال پس از فوت دامادش در حالتیکه فرزند ذکوری نداشت پسرود حیات گفت. باقتضای حسن خطی که داشت بیشتر آثارش را بصورت اصطلاحی (قطعه) و تذهیب کرده در اطرافها میگذارد که پس از فوت آن مرحوم بنیست صبا یا افتاد. مرحوم ثریا شاعری ظریف الطبع و دوستدار مزاج و طبیعت بود. در آغاز شهرت سمت محرری شریعات محضر مرحوم اقا سید صادق طباطبائی مجتهد را که قرب زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم مدفون است داشت از آن محضر قدرت انشائی او در نثر میان سخن سنجان و ادبای معاصر مشهور شد و بر اقران فائق آمد سپس ناصرالدین شاه ویرا برای معلمی فرزندان خود یمین الدوله و فرح السلطنه دعوت کرد. هر چند در شعر بیایه داماد خود محیط نمیرسید ولی در نثر قلمش بد بیضا میکرد. در این اواخر سرکار علیه خانم محیط دامت خداتهما که صبیبه آن مرحوم و زوجه مرحوم محیط بوده است باقتضای قرابت دفتر منشقات آن مرحوم را برای تخریب نام و نشر آثارش به بنده دادند. دیوان شعر آن مرحوم هم بتازگی بنیست آمده است.

از جمله آثاری که در رساله مذکور بنظر دوستان رسیده مطبوع افتاده است صورت قبالة عقد دو کربه است که جناب مزاج برشته تحریر کشیده و با براعت استهلال و استعارات و کنایات لطیفه انرا از آغاز بانجام آورده است. صورت قبالة مذکور را بنا باشارت یکی از دوستان و تقاضای دوست جوان فاضل آقای دکتر پرتو مدیر مجله ادبی ارمان برای درج در اینمجله و مطالعه قارئین تقدیم داشت

م - فرهنگ

از آثار منشوره مرحوم ثریا ( مجد الادباء )

عنوان قباله عقد گریه حضرت اقدس والا نایب السلطنه دامت شوکت  
و حجة الاسلام اقا میرزا صالح مغفور مبرور نور الله مضجعه الشریف .

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي سلط الهرة على الفاره صيد الهرة و صلى الله على نبينا  
محمد و آله كره بعد كره ، سياس و ستایش یمنر یگانه و یکنائیر اسزاست  
له بمفاد کریمه و اطعمو القانع والمعتر کلب و هرده را که دو مسکین جانورند  
از خوان بیکران انعام عام بمائتد اکرام نواخته و بنی نوع انسانرا که اشرف  
مخلوقاتست ، باطعامشان مأمور ساخته و هر يك از این دو حیوان صامت را  
در تمتع تواسل و تلذذ تجماع و تناسل ، با ناطق سمع ملابست عنایت نموده  
و جهة مشابهت موهبت فرموده سبحان الذي خلق الأزواج كلها مما تنبت الارض  
و من انفسهم و مما لا يعلمون درود نامممود بر پیغمبر محمود که بسر ینجته  
دست خدا و ضرغام دین ریشه اکالیب کهره را از بن برآورده و سنا نیز فجره  
را بیامردی صولت اسدالله الغالب مانند موش کرده علیهما و علی آلهما و اشبالهما  
من الصلوة از کیها و من التحیات انماها

بعد الحمد والصلوة چون خداوند بمانند بمفاد ایه وافی هدایه من کل  
شئنی خالقنا زوجین لعلکم تنبکرون <sup>بجهت الایات و حدائیک</sup> و فردانیت ذات اقدس  
خود فردی بی زوج نیافریده و حضیضی بی اوج موجود نگردانیده انه خلق  
الزوجین من الذکر والاتی و برای بقای نسل و دوام اصل موجودات تمام  
ذکور و انات مخلوقاترا باوریش و امیزش با یکدیگر مجبول نموده و مفطور  
فرموده پس بناء علی ذلك در اشرف اوقات شرافت اشتغال و اسعد ساعات  
سعادت مال

بساعتی که فرح بخش تر ز صبح بهار بساعتی که دل او برترز طلعت یار  
بساعتی که شرف در نهاد او ثابت بساعتی که سعادت بذات او سیار  
بساعتی که همبر پخت طایر اختر سعادت و شرفش هر دقیقه از منقار  
عقد همخوانگی دائمی و صیغه زماشویی جاری و ساری گردید فیما بین



پرورده خوان احسان سلطنت و شهریاری تربیت کرده دست انعام کامرانی و کامکاری هر هراس منش و کربه دلهات روش ، یانک شیر رنانه و شیر شاهین چنک ، قط الموسوم بشیر آقا ، بلور خان صیاد الفاره ، و جلاد الهوام الضارده ، ابوغزوان خبطل الایض الاعلی سنور الحضرة الوالا امیر کبیر نایب السلطنه العلیه العالیه ادام الله عمره و اقباله و ضاعف اجلاله نایب السلطنه ان کش بدر کاخ جلال کاسه مهرو مه آورده بدر بوزه سیهر ملک عالم عادل شه در یادل راد له رهی هست بر رای ورخ او مه و مهر مه کمین بنده رایش چو یارایدرای مهر شرمندۀ چهرش چو بر افروزه چهر انکه مهرش بمن اموخت ثریاد سرود فلکت باد بکان کز تو بنایش به مهر کامران شد که نزد کربه او همه شیران شرزه رویا کنند ان شهنشاه زاده اعظم که کدایان در گمش شاهند چاکرانش بصفوت ، مهرند مادحانش شهرت ماخذ و ذله خوار خوان فوز و فلاح و لقمه شمار سفره زهد و صلاح کاسه لیس مجموعه فضل و هنر و قدردان قدر جاه و خطر دست پرورد استین زهد و سداد ، و شیکرد پوستین عام و اجتهاد معتکف زاویه آفات و افاضت طائف کعبه قناعت و ریاضت اسوة الهرات العقیقه انت القارات التعمینه و الضعیفه المکنات بام الهیثم و السمامة بزاعی بیکم سلطان خالم هرة الجناب المستطاب شریعت مباب غوث الاسلام و المسلمین غیات الملة و الدین سید المجتهدین آقا میرزا صالح دامت افاداته و افاضاته بهر و کابین واضح التیین و الصادق لایح التعیین ،

مبلغ یک هزار تومان وجه نقد بضمیمه یک دستگاه ساعت مگب و یک مجلد کتاب موش و ... به مصنف عبید زاکان مخطط بخط کتاب الساعان که یلصد تومان و یک دستگاه ساعت از صدق مزبور رسیده و مابقی بتدکان حضرت والاست که در وجه گماشتگان جناب مستطاب سابق الالقاب دام بقاءه عندالقدره والاستطاعه مرحمت شود .

الهم ازده فیهما وفاقا و ادفع عنهما نفاقا واجعل لسلهما براقا و فی صید الفارات قبر آقا .